







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# نسیم رحمت

{زندگانی امام هادی}

به قلم :  
آیت الله صفایی بوشهری



### شناسنامه کتاب

نام کتاب..... نسیم رحمت (زندگانی امام هادی {  
مؤلف ..... آیت الله صفایی بوشهری  
تهیه و تنظیم..... علی اصغر کریم خانی  
ناشر.. ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور  
نوبت چاپ..... اوّل  
تاریخ چاپ..... پاییز ۹۱  
تیراژ.....

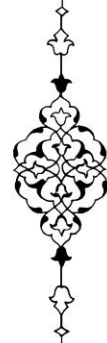




## فهرست مطالب

۹	.....فهرست مطالب
۲۱	.....زندگینامه
۲۳	.....ولادت و امامت
۲۴	.....وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر امام هادی {
۲۵	.....وضعیت شیعیان
۲۷	.....مبارزات امام هادی {
۲۹	.....۱. تهاجم نرم (غیرنظامی):
۳۰	.....۱-۱. تهاجم فرهنگی
۳۰	.....الف) تهاجم فرهنگی داخلی
۳۶	.....ب. تهاجم فرهنگی خارجی
۳۸	.....۱-۲. تهاجم سیاسی
۴۰	.....۱-۳. تهاجم اقتصادی
۴۲	.....۲. تهاجم سخت
۴۳	.....شاگردان امام هادی {
۴۴	.....شهادت امام هادی {
۴۷	.....داستان‌ها و کرامات

۱. لشکر حیرت آور الهی امام هادی { ..... ۴۹
۲. فرشتگان یاوران امام هادی { ..... ۵۰
۳. درندگان به فرزندان فاطمه { حمله نمی کنند ..... ۵۱
۴. دعای امام و نجات یاران ..... ۵۳
۵. امامت از آن فرزندان علی { است ..... ۵۴
۶. دعای امام و نجات مسیحی ..... ۵۵
۷. اشعار امام و اشک خلیفه ظالم ..... ۵۷
- چهل حدیث ..... ۶۱**
  ۱. راه مخلصان، راه کمال ..... ۶۳
  ۲. فضایل بی پایان ..... ۶۳
  ۳. ذات خداوند قابل توصیف نیست ..... ۶۴
  ۴. اهل بیت { و اسرار پنهان ..... ۶۵
  ۵. میدان بلاء و سرای سزا ..... ۶۵
  ۶. مکتب پروردگار ..... ۶۶
  ۷. جبر و تفویض ..... ۶۷
  ۸. بازار دنیا ..... ۶۷
  ۹. همراه انسان ..... ۶۷
  ۱۰. آثار زیان بار جدال ..... ۶۸
  ۱۱. آرامش در تقوا ..... ۶۸
  ۱۲. حرمت پیامبر و مومن ..... ۶۸
  ۱۳. شیعیان قابل توصیف نیستند ..... ۶۹
  ۱۴. تباهی حق با سفاهت ..... ۶۹
  ۱۵. احتیاط ..... ۶۹
  ۱۶. زیان خود خواهی ..... ۷۰
  ۱۷. عقوبت غافل ..... ۷۰
  ۱۸. صدق نیت ..... ۷۱
  ۱۹. عبرت و دوراندیشی ..... ۷۱
  ۲۰. شیوه برخورد در زمان عدل و جور ..... ۷۱



۲۱. بقای نعمت ..... ۷۲
۲۲. بی‌نیازی ..... ۷۲
۲۳. نفوس آلوده و حکمت ..... ۷۲
۲۴. ارزش و وظیفه دانشمند و دانش‌پژوه ..... ۷۳
۲۵. شرارت فرومایه ..... ۷۳
۲۶. زیان خودپرستی ..... ۷۳
۲۷. ارزش گران‌بهای عالمان دینی ..... ۷۳
۲۸. انسان و مصیبت‌ها ..... ۷۴
۲۹. تحمل مصائب ..... ۷۴
۳۰. آداب توقع ..... ۷۵
۳۱. زیان حسد ..... ۷۵
۳۲. در طلب حق ..... ۷۶
۳۳. انسان در اسارت نفس ..... ۷۶
۳۴. حقیقت ایمان ..... ۷۶
۳۵. امیدوار را ناامید مکن ..... ۷۷
۳۶. شکر نعمت ..... ۷۷
۳۷. بهتر از خوبی و بدتر از بدی ..... ۷۷
۳۸. مقدرات الهی ..... ۷۸
۳۹. زیان نارضایتی پدر و مادر ..... ۷۸
۴۰. زیان حرص و آز ..... ۷۸
- نمایه‌ها ..... ۸۰



## پیشگفتار

اهل بیت [ گنجینه‌های معرفت و سرچشمه‌های علم و دانش‌اند و روح و جان آدمیان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته‌اند.

از انوار فروزنده‌ی علم و معرفت این خاندان است که پیامبر اعظم ع فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا»<sup>۱</sup>

علوم اهل بیت عصمت و طهارت [ از جنس دریافتنی است نه آموختنی. علم حضوری است نه حصولی.

سرسلسله‌ی این خاندان نور و هدایت، پیامبر اکرم ع است همان رسولی که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته بود اما پیام ایشان؛ دانش، و رسالت آن حضرت؛ تلاوت، خواندن، آموختن و فراگرفتن علم توأم با تزکیه بود. رسالت الهی او با فرمان «اقرأ» آغاز شد و با دانش و بینش که جان‌های شیفته را سرشار می‌کرد، تداوم و استمرار یافت.

۱. إرشاد القلوب دیلمی، جلد ۲، ص ۲۱۲.

آری پیامبر رحمت، انسان اسیر در کژ راه‌ها و گرداب تباهی را به شاهراه هدایت و صراط مستقیم فرا خواند و در تن مرده‌ی انسان روحی دوباره دمید.

﴿إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾<sup>۱</sup>

و بار گران نادانی و غفلت را از دوش آنان فرو نهاد.

﴿يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾<sup>۲</sup>.

خاندان پیامبر ، نیز که از چشمه‌ی حیات او سیراب بودند همانند آن بزرگوار پیوسته، خورشید دانش و آگاهی را فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند.

در شرایط کنونی جهان که جاهلیت مدرن، حقوق بشر و ایمان انسان‌های آزاده را مورد هدف و تهدید قرار داده است آنچه می‌تواند غبار راه انسان حقیقت طلب و کمال جوی را فرو نشاند و راه او را روشنی بخشد بهره‌گیری و بازگشت به اسلام ناب محمدی ، است.

بی‌تردید بازخوانی سبک زندگی و سیره و آموزه‌های خاندان عصمت و طهارت [، در روزگار ما خدمتی بزرگ به انسانیت است از این روی بر اندیشمندان و رهروان آن بزرگوار، فرض است که با ژرف اندیشی و واکاوی در معارف اهل بیت [ گوهرهای ناب و درس‌های رهایی بخش این مکتب عظیم و تمام نشدنی را استخراج کنند و به انسان سرگشته و حیران عصر حاضر ارایه نمایند.

۱. سوره انفال (۸)، آیه: ۲۴.

۲. سوره اعراف (۷)، آیه: ۱۵۷.

اثر پیش رو که تألیف دانشمند بزرگوار و اندیشمند فرزانه حضرت آیت الله صفایی بوشهری (دام عزه) می‌باشد، گامی است در مسیر احیای امر اهل بیت [ و معرفی حضرت امام علی بن محمد الهادی {، پیشوای دهم شیعیان، شخصیتی که در ۳۳ سال مدت امامت خویش با تحمل سختیهای فراوان از اسلام عزیز دفاع نموده و در این راه به شهادت رسیدند.

بر حسب وظیفه از تلاش مجدانه و مخلصانه آن استاد فرهیخته که با تحقیق و پژوهش در تنظیم و تدوین این اثر ارزشمند نقش داشته‌اند، سپاسگزارم و دوام توفیق و بهروزی آن گرانمایه را از درگاه ایزد منان خواهانم. امید است پیروان حضرات معصومین [ با بهره‌گیری از اندیشه، کلام و سیره‌ی آن امام همام، سبک زندگی اسلامی را تجربه و راه سعادت را طی کنند.

حمید رضا سلیمانی

مشاور وزیر و دبیر ستاد عالی

کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور

## مقدمه مؤلف

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و ستایش خدای را سزااست که ما را به اوج فضائل هدایت نمود و از ابتلا به رذائل پرهیز فرمود. و سلام و درود بی پایان بر پیامبر خوبی ها و خاندان پاکش که کشتی نجات و خورشید بی غروب جهان آفرینش می باشند. حیات هدایت آفرین و عبرت آموز معصومان [ حوادث زمان ایشان، کرامات و احادیث راهگشا و گهربار معرفت‌زا و بصیرت افزای آنان، صراط مستقیم کمال انسانی است؛ که می توان بر بال آموزه‌های آن تا معراج آسمانی مقام قرب الهی صعود کرد.

خداوند درباره پیامبر گرامی اسلام ، چنین فرموده است:

II لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ



### لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ<sup>۱</sup>

«خداوند بر مؤمنان منت گذارد آنگاه که از میان خودشان پیامبری را برانگیخت که آیات الهی بر آنان بخواند و ایشان را پاک گرداند و به آنان کتاب خدا و حکمت بیاموزد هر چند آنان در گذشته در گمراهی آشکار بودند»

و پیامبر خاتم ، درباره خاندان معصومش چنین فرموده است:

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَ مَنْ تَرَكَ

### عَنْهَا غَرِقَ»<sup>۲</sup>

«داستان خاندان من همانند کشتی نوح هستند که هر که در آن قرار گیرد نجات می‌یابد و هر که از آن دوری گزیند غرق می‌شود»

و نیز فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ النَّفْلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا

### حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»<sup>۳</sup>

«من در میان شما دو چیز گرانبه‌تر به جا می‌گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیت خود [، این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در بهشت در کنار من قرار گیرند»

کتاب حاضر مشتمل بر زندگی‌نامه تحلیلی حیات امام هادی { و داستان‌ها و چهل حدیث از آن امام } می‌باشد.

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه: ۱۶۴.

۲. کنز العمال، ح ۱۶۵۸۲.

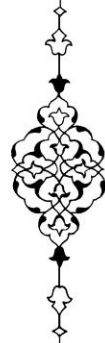
۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۳۹.

امیدوارم این تألیف مقبول ذات اقدس خداوندی و  
حضرات معصومین [ قرار گیرد.

از ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور و  
تلاش‌های فاضل محترم جناب حجت السلام والمسلمین  
کریم‌خانی (زید عزه) و همکاران محترم ایشان در ارائه این  
کتاب به جامعه کمال تشکر دارم.

خداوند در ظهور حضرت بقیه الله الأعظم (روحی فداء)  
تعجیل بفرماید و طول عمر با عزت و صحابت حضرت  
مهدی به مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (دامت برکاته  
العالیه) مرحمت بفرماید.

صفای بوشهری



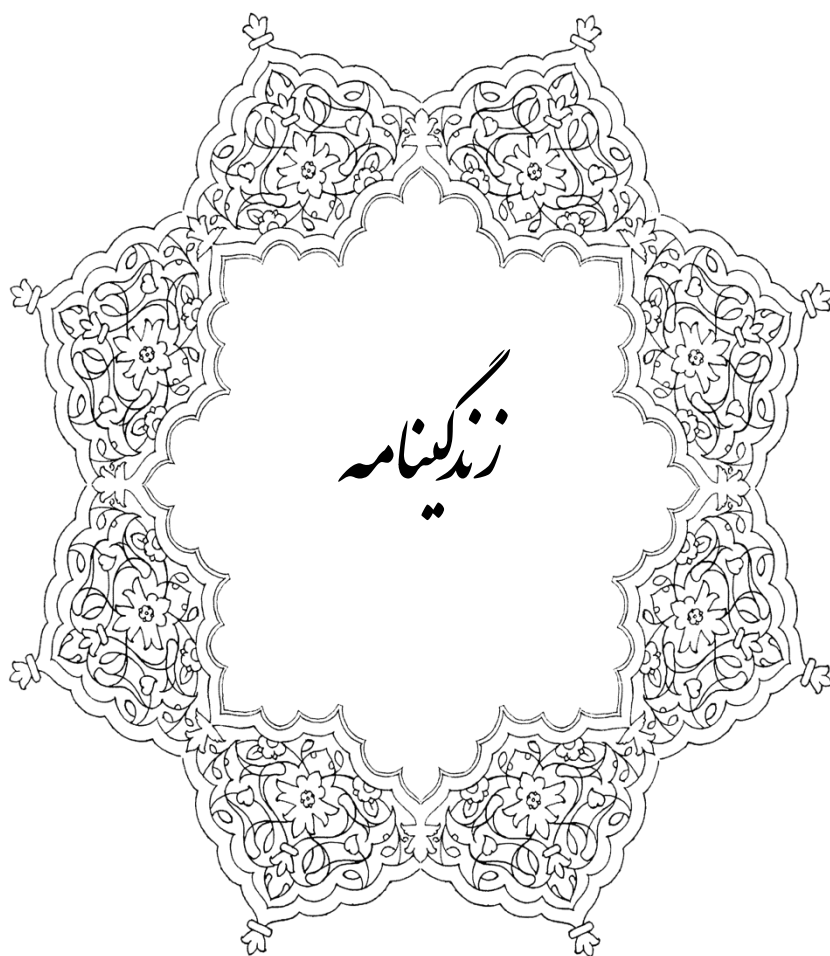


## ■ معصوم دوازدهم



- ◀ نام : علی بن محمد
- ◀ کنیه : ابوالحسن
- ◀ لقب : هادی - نقی
- ◀ امام : دهم
- ◀ تاریخ تولد : ۱۵ ذی الحجه سال ۲۱۲ هجری قمری
- ◀ محل تولد : صریا (اطراف مدینه)
- ◀ نام مادر : سمانه
- ◀ مدت عمر : ۴۱ سال
- ◀ مدت امامت : ۳۴ سال
- ◀ تاریخ شهادت : ۲۵۴ هجری قمری
- ◀ محل دفن : سامرا







### ولادت و امامت

حضرت «علی بن محمد» { ملقب به «نقی» و «هادی» امام دهم شیعیان در نیمه ذی الحجه سال ۲۱۲ هجری قمری در «صریا» از نواحی مدینه به دنیا آمد<sup>۱</sup> و با وجود خود آسمان تاریک بشریت را روشنی دیگری بخشید. مادر بزرگوارش از زنان بافضیلت و پارسا بود و «سمانه» نام داشت.

آن حضرت در سال ۲۲۰ هجری قمری بعد از شهادت مظلومانه حضرت جواد الائمه { پدر بزرگوارش، در هشت سالگی به منصب الهی امامت رسید و این موضوع بعد از اثبات امامت امام جواد { در کودکی و وجود نمونه‌های تاریخی دیگر همچون بعثت پیامبرانی چون حضرت عیسی { و یحیی { در خردسالی، موجب حیرت شیعیان و نقد و

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۸۵. کتبه آن امام «ابوالحسن» است. شایان ذکر است که کتبه سه امام دیگر نیز «ابوالحسن» می‌باشد، که عبارتند از: امیر مؤمنان امام علی بن ابی طالب و امام موسی کاظم و امام رضا [ البته در حوزه علم حدیث امام موسی کاظم و امام رضا و امام هادی ] به عنوان ابوالحسن اول و ثانی و ثالث مطرح هستند.

ایراد مخالفان نگردید،<sup>۱</sup> بلکه تابش عظمت علمی و تسلط وی در مذاکرات و مناظرات و سخنان آسمانی آن امام در این سن، دلیل بر امامت الهی ایشان و حقانیت مذهب تشیع گردید.

### وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر امام هادی {

دوران ۳۴ ساله امامت امام هادی { مصادف بود با زمامداری شش حاکم عباسی:

۱. معتصم (۲۱۸-۲۲۷ هـ ق)؛
۲. واثق (۲۲۷-۲۳۲ هـ ق)؛
۳. متوکل (۲۳۲-۲۴۸ هـ ق)؛
۴. منتصر (۶ ماه)؛
۵. مستعین (۲۴۸-۲۵۲ هـ ق)؛
۶. معتز (۲۵۲-۲۵۵ هـ ق)؛

اختلافات داخلی عباسیان، هوس رانی درباریان، گسترش ظلم و بیدادگری در سطح وسیع جامعه، فساد اخلاقی حکمرانان، فشار اقتصادی، افشاگری و نهضت‌های علویان، موجب تزلزل و ناپایداری حکومت عباسی شده بود به همین جهت برای حفظ حکومت ظالمانه خویش، با کوچک‌ترین حرکت اسلام خواهانه مردم و شیعیان بی‌رحمانه برخورد نظامی می‌کردند و به طرز وحشیانه‌ای نهضت‌های علویان را سرکوب می‌نمودند.

۱. هر چند امامت امام جواد { در خردسالی، در آغاز موجب حیرت همگان حتی شیعیان گردید ولی بعد از ارائه عظمت شخصیتی آن امام این امر مایه افتخار شیعیان و حقانیت شیعه شد.



«معتصم» و «واثق» دو زمامدار اول دوران امامت حضرت هادی { همان روش سیاسی - نظامی به ظاهر آرام زمامداران قبل را دنبال می کردند. آنان در اندیشه مدیریت جامعه به شکل بی تنش بودند، اما متوکل در حکومت شانزده ساله خود با شیوه ایجاد جو اختناق و استبداد، گسترش فشارهای سیاسی و اجتماعی و سرکوب و شکنجه، با مردم برخورد می کرد. او در اوایل حکومتش دستور جلب امام { و اعزام ایشان از مدینه به سامرا را داد و آن امام از طریق بغداد در سال ۲۳۳ هجری قمری<sup>۱</sup> تحت نظر «یحیی بن هرثمه»<sup>۲</sup> مأمور ویژه متوکل به سامرا منتقل گشت و به مدت بیست و یک سال زیر شدیدترین اهانت ها و شکنجه های روحی و جسمی و محدودیت های گسترده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفت.

آنان امام و همراهان ایشان را در آغاز ورود به سامرا در کاروانسرای گدایان به نام «خان صعلیک» جای دادند، و مدتی نیز در زندان حبس کردند، سپس در منطقه نظامیان دربار که مشهور به عسکر بود تحت مراقبت ویژه مأموران حکومت عباسی اسکان دادند به همین جهت به امام هادی و فرزندش امام حسن [ «عسکری» ] می گویند.

### وضعیت شیعیان

در این مدت متوکل شدیدترین و قساوت‌مندانه ترین

۱. برخی از تاریخ نویسان سال تبعید امام هادی { به سامرا را سال ۲۳۶ هجری قمری می دانند.

۲. «یحیی بن هرثمه» از منتقدان دربار عباسیان بود که به او مأموریت های ویژه داده می شد.

برخوردها را با شیعیان داشت. بزرگان علم و ادب اسلامی مثل «ابن سکیت»<sup>۱</sup> و «نصر بن علی جهضمی»<sup>۲</sup> را به جهت تمجید از امام و خاندان پیامبر به شهادت رساند و سیاست فلج سازی اقتصادی و سیاسی و شکنجه و قتل شیعیان را سرلوحه برنامه‌های حکومتی خود قرار داد به طوری که ده‌ها هزار، از شیعیان و سادات به زندان انداخته و یا به قتل رسانید، مرقد مطهر امام حسین { را که مرکز نهضت‌ها و نماد قیام شیعیان بود، با خاک یکسان کرد و فقر و تنگدستی را چنان بر شیعیان تحمیل نمود که بانوان علوی مدینه برای انجام فریضه نماز، تنها یک لباس کهنه و مندرس داشتند که به نوبت آن را می‌پوشیدند.

در طرف دیگر، کاخ‌سازی و قصر نشینی<sup>۳</sup>، چپاول بیت‌المال، سوء استفاده مالی خاندان عباسی، اجرای پرهزینه و سراسر ابتذال بزم‌های درباری<sup>۴</sup>، فساد شرم‌آور اخلاقی و میگساری درباریان و اعطای بی‌حد و حساب بیت‌المال به

۱. «ابن سکیت» ادیب مشهور شیعی و از دانشمندان نامدار آن زمان است که متوکل او را به شکل بسیار فجیع به شهادت رساند. در تاریخ نقل شده است که متوکل از او سؤال کرد فرزند من برتر است یا حسن و حسین؟ او جواب داد: به خدا سوگند که قنبر غلام امیر مؤمنان { در نظر من از تو و فرزندانانت بهتر است و متوکل دستور داد که زبان او را از پشت سر بیرون کشیدند و او را به شهادت رساندند.

۲. «نصر بن علی جهضمی» از دانشمندان و محدثین اهل سنت آن زمان بود که به علت نقل حدیثی در منقبت امام علی و حضرت زهرا [ متوکل دستور داد که به وی هزار تازیانه بزنند و آنقدر ادامه دادند که وی فوت کرد.

۳. متوکل قصرهای زیادی با هزینه هنگفت از بیت‌المال بنا نمود، مانند قصر شاه، عروس، شبداز، بدیع، غریب، برج، جعفری، ملیح، غرو، مختار، حیر و بُرکُواء. که هزینه قصر برج یک میلیون و هفتصد هزار دینار و قصر برکُواء بیست میلیون درهم بود.

۴. خرج جشن سنت ختان «معتز» فرزند متوکل قریب هشتاد و شش میلیون درهم شده بود.

طرفداران حکومت ظالم عباسی و علمای منحرف حامی دربار، بیداد می کرد، تجمل گرایی و زراندوزی هدف اصلی و خاص کارگزاران شده بود. فدک که در زمان «عمر بن عبدالعزیز» به علویان بازگردانده شده بود دوباره مصادره شد و متوکل آن را به یکی از هوادارانش به نام «عبدالله بن عمر» اهدا نمود<sup>۱</sup> و دستور اخراج تمامی شیعیان و علویان از مناصب اداری داده شد.

عملکرد و مواضع امامان معصوم { در گذشته، موجب رسوایی هرچه تمام تر حکومت عباسی در این زمان شده بود، به طوری که مخالفت با عباسیان در تمامی مناطق اسلامی به صورت نهضت های انقلابی بروز کرده و رو به فزونی نهاد، تنها در فاصله سال های ۲۱۹ تا ۲۷۰ هجری قمری، هجده قیام بزرگ علیه حکومت عباسی به وقوع پیوست که همگی به جهت ضعف در برنامه ریزی و مدیریت و کمبود تجهیزات شکست خوردند.

### مبارزات امام هادی {

امام هادی { در این دوران پر آشوب و آشفته و سراسر اختناق و هجوم گسترده اندیشه های انحرافی مانند مکتب فکری اشاعره، معتزله و غلات و تهاجم فرهنگ ابتدال از دربار عباسیان به جوامع اسلامی، با درایت عالمانه خویش به حفظ فرهنگ اصیل تشیع، حراست از علما و شیعیان و

۱. در آمد سالیانه «فدک» در آن زمان ۲۴۰۰۰ دینار بود که به امام شیعیان تعلق داشت و ایشان با آن به شیعیان کمک می کردند، ولی خلفای جور، به ناحق آن جا را تصرف کردند.

مقابله جدی با تفکرات غیر مذهبی که در چهره مذهب ساختگی خلفا و علمای درباری و منحرفان پنهان شده بود پرداخت، باطن پلید حاکمان فاسد و منحرف را آشکار نمود. با همراهی پیروان خود نظام فکری و فرهنگی اسلامی را ارتقا بخشید و تهاجم فرهنگ ابتدال خارجی و داخلی را دفع نمود. همچنین با گسترش، سامان بخشی و سازماندهی شبکه منسجم نمایندگان خود در تمامی نقاط جهان اسلام، مانند بغداد، مدائن، بصره، کوفه، قم، همدان، حجاز، یمن و مصر ارتباطی بسیار قوی بین منصب امامت و پیروان خود برقرار کرد و با تربیت شاگردانی چون «فضل بن شاذان» «حسین بن سعید اهوازی» و «عبدالعظیم حسنی» به حفظ و ترویج مبانی دین پرداخت.

مذهب تشیع که دیگر به شکل مدون و سازمان یافته و با تجربه تبلیغی و علمی کافی از زمان امام باقر { تا این زمان از طوفان حوادث سیاسی و فکری مخالفان به سلامت عبور کرده و در بین عموم مردم و روشن ضمیران جامعه محبوبیت بسیاری یافته بود، قوام بیشتری پیدا کرد و شبکه ی ارتباطی قوی بین شیعیان و امام ایجاد شد و مذهب تشیع در تمامی صحنه های علمی و مناظرات مکتبی، سرآمد گشت. این فروزندگی و تابش علمی و اندیشه و رویه رفتاری و محبوبیت<sup>۱</sup> و اخلاق الهی امام و علمای شیعه و جهل و

۱. امام هادی { آنقدر در جامعه حتی در دربار عباسیان محبوبیت داشت که مادر متوکل برای شفای فرزندش نذر امام می کرد و «اسحاق بن ابراهیم طاهری» فرماندار بغداد به «یحیی بن هرثمه» که امام را از مدینه به بغداد آورده بود تا به سامرا ببرد، گفت: این فرزند رسول خداست، مبادا متوکل را به دشمنی و قتل او تحریک کنی که خونخواه او و دشمن تو پیامبر

قدرت طلبی و ابتذالگری خلفای عباسی و درباریان، هر چه بیشتر جامعه را به حقانیت تشیع و شایستگی و امامت خاندان پیامبر<sup>۶</sup> آگاه ساخت. در اینجا مناسب است که برخی از اقدامات و انواع تهاجم ولایت ستیزان به جبهه ولایت و اسلام را بررسی و تحلیل نمائیم و روش مبارزه آن امام و یارانش را با آن تهاجم بیان کنیم تا عظمت عملکرد آن امام { را دریابیم. این تهاجم به دو شکل نرم و سخت صورت می‌گرفت که به شرح هر یک می‌پردازیم:

#### ۱. تهاجم نرم (غیرنظامی):

تهاجم نرم، خزننده و بدون هیاهوی وحشت‌زا، بلکه جذاب و حساب شده، افکار و نقاط اساسی هدف خود را نشانه می‌گیرد و طرف مقابل را وادار به پیروی از برنامه‌های خود می‌نماید. شایان ذکر است که تهاجم نرم در هر زمان متناسب با ویژگی‌های نیروی مورد تهاجم از قبیل ضعف‌ها و قوت‌های آن شکل گرفته و برای براندازی، طراحی و اجرا می‌گردد. گاهی این نوع تهاجم به شکل تحریم‌های اقتصادی و گاهی به صورت فتنه‌ها و بحران‌های سیاسی و گاهی نیز در قالب تهاجم فرهنگی ظاهر می‌گردد که هم اینک به شرح هر یک از این موارد در دوران امامت حضرت هادی { می‌پردازیم و به نقش مدیریتی و عملکرد مؤثر و تاریخی امام هادی { در دفع فتنه‌های سیاسی و پیشگیری و رفع تهاجم فرهنگی و برنامه‌ریزی کارشناسانه در برابر این نوع تهاجم

براندازانه، خواهیم پرداخت:

### ۱-۱. تهاجم فرهنگی

یکی از موارد تهاجم نرم، تهاجم فرهنگی است که همواره ادیان الهی در طول تاریخ از طرف جبهه دین‌ستیز سیاست‌باز شاهد آن بوده است. در زمان امامت امام هادی { تهاجم فرهنگی از دو سو اسلام و جبهه ولایت را نشانه گرفته بود:

#### الف) تهاجم فرهنگی داخلی

این نوع تهاجم توسط اندیشه‌های انحرافی در درون جغرافیای اسلام صورت می‌گرفت و طیف وسیعی از جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد.

سردمداران این نوع تهاجم، افرادی بودند که دارای روح بزرگپنداری شخصیت خویش، اصالت دادن بی‌منطق به یافته‌های نفسانی خود، دنیاگرایی و داشتن شهوت شهوت و ثروت و قدرت، به دنبال مریدپروری بودند.

در آن دوران، برخی چون «علی بن حسکه قمی» و «ابن بابا» و «فارس بن حاتم قزوینی» و «محمد بن نصیر نمیری» با اندیشه غلو و بزرگپنداری غیر واقعی شخصیت خود، ادعای نبوت کردند و برای مشروع جلوه دادن این ادعای نابجا، نسبت الوهیت به امام هادی { داده و می‌گفتند که روح الهی در آن امام دمیده شده است و ایشان خدا به روی زمین است و ما از جانب او به پیامبری مبعوث شده‌ایم، این ادعا همان‌طور که باعث انحراف برخی از مردم می‌گردید، زمینه

حمله مخالفان شیعه بر مکتب اهل بیت { را نیز فراهم می‌آورد. آنان مبالغه آمیز و به ظاهر خود را از دوستان و حامیان امام نشان می‌دادند ولی به دنبال بهره‌برداری از این موقعیت برای رسیدن به مقاصد خویش بودند هرچند این احتمال نیز وجود دارد که این کار توسط مخالفان مکتب اهل بیت { و سردمداران جبهه ولایت‌ستیز طراحی شده و توسط افراد مسأله‌دار به اجرا در آمد تا چهره امام و مذهب تشیع تخریب گردد.

آن امام { با تمام وجود با این نوع ادعاها مخالفت کرد و حکم ارتداد مدعیان آن را داد و شیعیان را از معاشرت با آنان منع فرمود و با استدلال و اقامه برهان، با آن افکار مبارزه نمود. در این باره آن حضرت بیان داشتند:

«ما دعا محمداً صلى الله عليه و آله وسلم إلا إلى الله وحده لا شريك له و كذلك نحن الأوصياء من ولده لا نشرك به شيئاً، إن أطعناه رحمنا و إن عصيناه عذبنا، ما لنا على الله من حجة بل الحجة لله علينا و على جميع خلقه أبرأ إلى الله ممن يقول ذلك و أنتقى إلى الله من هذا القول فاهجروهم لعنهم الله و الجنووهم إلى ضيق



الطريق فإن وجدتم أحداً منهم فاخذشوا رأسه بالحجر»<sup>۱</sup>

«رسول خدا ، سخنی جز وحدانیت خدا و بی شریک بودن او نگفت و ما فرزندان او که جانشین وی می‌باشیم نیز همین می‌گوییم به طوری او خدای ماست و اگر فرمانش ببریم رحم و محبتش شامل حال ما می‌شود و اگر نافرمانی‌اش کنیم عذابمان خواهد داد. ما بر خداوند چه دلیل و حجتی [بر خالق بودن و الوهیت کسی غیر خدا] داریم آری خداوند بر ما و تمام مردمان حجت و دلیل دارد که باید

۱. رجال کشی، ص ۵۱۷.

بندگی اش کنیم. من به خدا پناه می‌برم و از کسانی که این ادعای بی‌جا می‌کنند بیزارم؛ پس از آنان دوری گزینید و از خود دورشان کنید. خداوند آنان را لعنت کند. راه را بر آنان تنگ کنید و هر یک از آنان را که یافتید بر خورد بد کنید»

و آن حضرت { بارها به تندی با آنان برخورد کرد و درباره افرادی چون «علی بن حسکه» فرمود:

«این مطالب از دین ما نیست از او دوری گزینید»<sup>۱</sup>

و امام آنان را نفرین می‌کرد و به دیگران نیز آن را اعلام می‌نمود.

تهاجم دیگر فرهنگی که در درون سرزمین‌های اسلامی ایجاد و به عنوان یک مشکل جدی فراگیر شد، مسأله «تحریف قرآن» بود. برخی از مدعیان شیعه و عالمان اهل سنت دارای این نظریه بودند و می‌گفتند که قرآن در طول تاریخ دچار تحریف شده است و برخی از آیات آن حذف گردیده و برخی دیگر از آیات با جابه‌جایی و تغییر مکان، دارای معانی دیگری شده؛ زیرا قرائن فهم آن در کنار آن نمی‌باشد.

آنان خودآگاه یا ناخودآگاه، بی‌اعتمادی مردم را به قرآن، همچون دیگر کتب آسمانی ایجاد می‌کردند و زمینه‌ای مناسب برای القای نظرات غیر اصیل، به نام اسلام را در دین اسلام فراهم می‌آوردند.

امام هادی { مانند دیگر امامان شیعه [ با این نظریه برخورد جدی نموده و اعلام داشتند که قرآن به هیچ صورت

۱. رجال کشی، ص ۵۱۷.



تحریف نشده است و حتی ملاک صحت روایات، مطابقت آنها با قرآن می‌باشد و خداوند خود سلامت آن را ضمانت نموده است.

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّ لَنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ﴾<sup>۱</sup>

«بی‌تردید ما قرآن را فرو فرستادیم و خود آن را حفظ می‌کنیم»  
و همچنین در آن زمان مسأله «قدیم یا حدوث قرآن»<sup>۲</sup> به طور رسمی مطرح شد و خلفای سابق مثل «مأمون» و «معتصم» قائل به خلق و حدوث قرآن بودند. این نظریه را «ابن ابی دؤاد» در آغاز پی‌ریزی کرد و آن خلفا نیز به شدت از آن حمایت کردند و با «احمد بن حنبل» که قائل به قدیم بودن قرآن بود به شدت برخورد نمودند و حتی به او تازیانه زدند. با گذشت دوران مأمون و معتصم و روی کار آمدن متوکل، او قائل به قدیم بودن قرآن شد و به شدت با مخالفان آن نظریه برخورد کرد و نظرات احمد بن حنبل را که دارای مذهب اخباری‌گری سنی و قائل به این نظریه بود ترویج نمود و مذاهب دیگر اسلامی را بدعت در دین شمرد.  
این مسأله در میان شیعیان جایی برای منازعه پیدا نکرد زیرا امام هادی { از همان ابتدای طرح مسأله، انحرافی بودن

۱. سوره حجر (۱۵)، آیه: ۹.

۲. موضوع «قدیم یا حادث» بودن قرآن یک مسأله نظری و مبنایی قرآنی است که هیچگونه آثار ایمانی و عملی ندارد و مراد از «قدیم» بودن قرآن این است که قرآن مسبوق به عدم نمی‌باشد، زیرا کلام خداست و همچون خدا که مسبوق به عدم نیست و اوصاف و کلام خداوند نیز اینگونه است. «حادث» بودن آن، یعنی قرآن مسبوق به عدم است و خداوند در تاریخی خاص آن را ایجاد کرده است.

و بی‌ارزش بودن این مسأله را بیان داشته و مهمترین مسأله در قرآن را فهم و عمل به آن اعلام کرده و در آن باره فرمودند:

«خالق عالم وجود فقط خداست که قدیم می‌باشد و دیگر موجودات همگی مخلوق خدا بوده و قرآن، کلام خدا می‌باشد و مهم نیست که نام آن چه می‌نامیم و در این باره برخی خود را مبتلا به فتنه و مسأله‌ای کرده‌اند که هیچ سودی برای آنان ندارد و خود را دچار بدعت می‌نمایند»<sup>۱</sup>.

این افکار انحرافی، بسیاری از دانشمندان را به خود مشغول کرده بود. آنان موضوع مهم قرآن یعنی فهم و ایمان و عمل به مفاد آن رها کرده و به دنبال مسائل غیرمفید می‌رفتند در حالی که مسائل اصلی دین به ویژه مسائل سیاسی فراموش شده و تحت الشعاع آن قرار گرفته بود.

مسأله دیگری که در آن دوران مطرح شد و شیوع پیدا کرد «تصوف» بود. این جریان به جهت تأثیرپذیری برخی از رهبانیت مسیحیت و کج فهمی از آیات مذمت دنیا ایجاد شده بود، و این افراد اندیشه صوفی‌گری را پذیرفته و آن را ارائه و ترویج می‌کردند. امام شدیداً با این مسأله نیز به مخالفت برخاستند. افرادی چون «ابو هاشم جعفری» در مسجدالنبی آن را تبلیغ می‌کردند و برخی را به خود جذب می‌نمودند.

شایان ذکر است که تهاجم فرهنگی به حوزه فقه هم سرایت کرده و برخی از افراد، مانند: «محمد بن نصیر

۱. توحید صدوق، ص ۲۲۴.

نمیری» قائل به ازدواج با محارم و حلّیت ازدواج با هم‌جنس بودند که امام هادی { نیز در این باره با شدت تمام در مقابل این نوع انحراف قرار گرفت و با آن به مقابله پرداخت.

یکی دیگر از موارد تهاجم فرهنگی به جبهه ولایت که با انگیزه سیاسی صورت گرفت تضعیف جایگاه امامان معصوم [ و مقام «امامت و ولایت» بود که آن حضرت، با ارائه علوم الهی در سنین کودکی و پیروزی در مناظرات علمی و ایجاد معجزات و تبیین مستدل مقام الهی ولایت و ویژگی‌ها و آثار آن برای خاندان پیامبر در قالب‌های مختلف مثل، بیان زیارت جامعه کبیره، به مبارزه با آن اندیشه ضد ولایی تاریخی پرداخت و نگاه صحیح به این مقوله را برای حاضران و آیندگان روشن نمود.

قابل توجه است که مسائل مختلف دیگر اعتقادی نیز در آن زمان مطرح و مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت، مانند: مسأله جسمیت خداوند و تشبیه آن به مخلوقات بود که آن امام با ارائه براهین علمی آن را رد نمود.

امام هادی { با برنامه ویژه‌ای، تمامی ابعاد تهاجم فرهنگی و انحرافات را در این موارد چنان با استدلال و منطق دین و عقلانیت پاسخ می‌داد که دیگر جای شبهه و تعرضی باقی نمی‌ماند.

همان طور که ملاحظه شد تهاجم فرهنگی داخلی سراسر سرزمین‌های اسلامی، حتی دارالخلافة را فرا گرفته و بسیاری از شخصیت‌های مهم فرهنگی، یا دچار انحراف شده و یا در مقابل آن، موضع سکوت اختیار کرده و یا با مبارزه نارسای

فرهنگی خود نمی توانستند توفان هجمه فرهنگی را کنترل کنند و این امام هادی { بود که با پاسخ گویی مناسب و مستدل و اعزام نمایندگان دانشمند خود به سراسر جغرافیای اسلام، به ویژه مناطق شیعه نشین، ماهیت آن اندیشه و افکارهای انحرافی را افشاء و رد می نمود و نمی گذاشت در جامعه اسلامی اثر ماندگاری داشته باشند.

«یزداد» طبیب معروف مسیحی آن زمان که در سامرا سکونت داشت در شأن آن امام گفت:

«اگر شخصی علم غیب بداند، تنها اوست. او را به اینجا آورده اند تا از گرایش مردم به سوی او جلوگیری کنند؛ زیرا متوکل با وجود او، حکومت خود را در خطر می بیند.»<sup>۱</sup>

#### ب. تهاجم فرهنگی خارجی

اسرائیلیات و خرافات در زمان خلیفه دوم توسط نو مسلمانان یهودی، مانند: «کعب الأحبار» در مدینه و دیگر شهرهای اسلامی گسترش یافته و شایع شده بود و برخی از مردم با سطحی نگری به مبانی اصیل دین و جاذبه های آن تحریفات، به سوی آن جذب می شدند و این خود زمینه ای بود که در زمان معاویه در شام ترجمه های اندیشه های خارجی، سرزمین های اسلامی را فرا گیرد و مبانی فکری غیراسلامی توسط دگرانديشان و متأثرین از افکار متفکران غیراسلامی در قالب مبانی اسلامی عرضه شود. برخی قائل به مکتب «نفویض» و برخی دیگر قائل به مکتب «جبر»<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۶۱.

۲. قابل توجه است که نام دیگر مکتب «جبر» در کتب کلامی «اشعری» و «قدریه» مشهور بوده

بودند، و این دو مکتب به عنوان دو اندیشه برتر در دارالخلافة مطرح گردید و اساس اعتقاد جامعه اسلامی شد. امویان و مروانیان و برخی از عباسیان قائل به مکتب جبر شده و برخی دیگر از عباسیان مانند مأمون قائل به مکتب «تفویض» گردیدند و آن را ترویج می نمودند.

بر اساس این دو اندیشه، بسیاری از جریان‌های اجتماعی و سیاسی شکل گرفت. سردمداران غصب و ستم، تمامی وقایع را جبر و مقدر الهی و خواست خدا معرفی نموده و مخالفت با آن را مقابله با مشیت الهی اعلام می کردند و حرکت و نهضت‌های تحوّل خواهانه را سرکوب می کردند. معاویه، یزید و تمامی حاکمان اموی و مروانی با اندیشه جبرگرایی جنایات تاریخی خود را توجیه و دیگران را وادار به سکوت در قبال آن می کردند.

اساساً نظریه جبر، قدرت و توان انسان در انتخاب و عمل را نادیده گرفته و همه امور را به خواست و قدرت الهی می داند. در مقابل آن، نظریه اختیار و آزادی انسان در انتخاب و تفویض قدرت انجام تمامی رفتارهای انسانی از جانب خداوند به انسان و حذف خداوند در زندگی و اعمال انسان می باشد.

در مقابل این دو نظریه افراطی و تفریطی امام هادی { اعتقاد صحیح اسلامی بیان داشت که در اسلام هر دو نظریه جبر و تفویض اشتباه است و نظریه صحیح، تلفیقی از جبر و تفویض است و رساله‌ای در همین زمینه نگاشتند و همواره

می فرمودند:



«لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِيزَ بَلْ الْأَمْرُ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ»<sup>۱</sup>

«نه جبر و نه تفویض وجود دارد بلکه صحیح یک حقیقت بین آن

دو است»

در توضیح نظریه صحیح فرمودند:

«خداوند به قدرت بی پایان خود، انسان را آفرید و به او توان

عبادت و بندگی اش داد؛ پس آنان را بدانچه می خواست فرمان داد و از

آنچه اراده فرموده بود نهی کرد. از ایشان پیروی از فرمانش را پذیرفت

و به همین راضی شد و آنان را از نافرمانی خود بازداشت و بر مبنای

آن نافرمانان را مورد بازخواست قرار داد. پس در این جا حق انتخاب و

اختیار با خداست [و ما در این باره قدرتی نداریم] به آنچه می خواهد

امر می کند و از آنچه نمی پسندد، نهی می نماید و بر اساس آن مؤاخذه

می فرماید. پس برای انجام آن به بندگانش توانایی انتخاب و عمل به

اوامر و پرهیز از گناهان، عطا فرمود؛ زیرا خداوند مظهر عدالت و

انصاف و دارای حکمت الهی رسا می باشد.»<sup>۲</sup>

## ۲-۱. تهاجم سیاسی

یکی دیگر از تهاجم های جبهه ضد ولایت را به جامعه

اسلامی و امام هادی {، تخریب شخصیت الهی خاندان پیامبر

گرامی اسلام<sup>۲</sup> و زیر سؤال بردن مقام ولایت آنان و ایجاد

محدودیت های شدید برای آن امام بود.

۱. التوحید للصدوق، ص ۲۰۶.

۲. مسند الإمام الهادی {، ص ۲۰۵.

آنان از جهت فرهنگی و اعتقادی جایگاه امامت و ولایت مورد تهاجم سیاسی - فرهنگی قرار می دادند و به دنبال تضعیف آن مقام و دوری مردم و عدم ایمان به مقوله امامت بودند و در این راه به اشکال مختلف دست به این کار می زدند حتی متوکل به اجبار امام هادی { را بر سر سفره میگساری خود آورد تا آن امام را تحقیر کند و به مردم این گونه بنمایاند که امام نیز با عمل زشت و خلاف شرع او همراهی می کند. یک شب متوکل دستور داد تا امام را بر سر سفره شراب دربار حاضر کنند و مأموران او امام را به اجبار به دارالخلافة آوردند. متوکل با بی شرمی به امام گفت شما نیز بنوشید که امام امتناع کرد و فرمود: وجود ما که خاندان نبوت و امامتیم از رجس و پلیدی مبرا است. متوکل گفت پس برای من اشعاری بخوانید و امام نپذیرفت و متوکل با اصرار و تندی به امام گفت باید برایم در این محفل شعری بخوانید و امام شعری اخلاقی برای وی خواند که متوکل دست از شراب خواری کشید و اشک های او جاری شد و از امام معذرت خواهی کرد. برخی از ابیات آن شعر این گونه است:

«يَا ثَوَا عَلَى قُللِ - الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ  
غَلَبُ الرَّجَالِ فَلَمْ تَنْفَعَهُمُ الْقُللُ»

«گردن فرازان بر بلندای کوه ها شب به صبح آوردند و مردان نیرومندی حمایت از آنان می کردند ولی آن قلعه ها برایشان فایده ای نداشت»

«وَ اسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عَزٍّ مِنْ مَعَاقِلِهِمْ  
وَ اسْكُنُوا حُفْرًا بِنَسَمَا نَزَّ لُوا»

«بعد از چندی جایگاه عزت دروغین خود را از دست دادند و به زیر کشیده شدند و در زیر خاک جای گرفتند که بد منزلگاهی برای

آنان است»

«وَطَالَمَا عَمَّرُوا دُورًا لِيَتَحَصَّنَهُمْ

فَفَارَقُوا الدُّورَ عَلَى الْإِهْلِينَ وَانْتَقَلُوا»

«چه بسیار کاخ‌ها که برای نگهداشت خویش ساختند ولی عاقبت

از آن جا رفتند و از نزدیکان خود دور شدند»

«أَصْحَتْ مَنَازِلُهُمْ فَقَرًّا مُعْطَلَةً

وَسَاكِنُوهَا إِلَى الْإِجْدَانِ قَدْ رَحَلُوا»

«سرانجام کاخ‌های آنان ویرانکده و به حال خود رها گردید و آنان

در قبرها ساکن شدند و بار سفر بستند»

و در عرصه میدانی و اجتماعی به شدت، امام هادی { و جبهه ولایتمدار را مورد تعرض قرار داده و بسیاری از خاندان و یاران امام با حبس و تبعید گرفتار کردند و آن امام را در مدینه تحت فشار سیاسی قرار داده و سپس به سامرا مرکز تجمع نیروی نظامی جبهه ضد ولایت آوردند و در تنگناهای خاص قرار دادند ولی آن امام با برنامه‌ریزی خاصی اوضاع سیاسی جغرافیای سرزمین‌های اسلامی را مدیریت کرد و با ایجاد شبکه نمایندگان و فرستادن آنان به مناطق مختلف اسلامی همه انواع تهاجم را دفع نمود و مسائل فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی آنان را به سامان رساند.

### ۳-۱. تهاجم اقتصادی

یکی دیگر از انواع تهاجم به جبهه ولایت، تهاجم اقتصادی بود و این نوع تهاجم در زمان پیامبر گرامی اسلام



۶ نیز وجود داشته است.

II هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا

يَعْقِلُونَ ﴿۶۳﴾

«آنان کسانی هستند که می‌گفتند که اطرافیان پیامبر خدا را تحریم اقتصادی کنید تا از گرد او پراکنده شوند ولی نزد خدا گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین است [که می‌تواند با آن از مسلمانان و پیامبر خود حمایت اقتصادی کند] ولی منافقان درک نمی‌کنند»

سردمداران جبهه ضد ولایت، چنان جبهه ولایت را در مدینه و دیگر نقاط سرزمین‌های اسلامی تحت فشار اقتصادی قرار دادند که همگان را به فقر جانگداز رساندند. متوکل اگر متوجه می‌شد کسی به امام علی { علاقه دارد اموال او را مصادره می‌کرد و او را می‌کشت. مردم و شیعیان در تأمین ضروریات زندگی حتی در پوشش ابتدایی و تغذیه اندک خود دچار چالش‌های جدی شده و در برخی از مواقع برای پوشش ضروری لباس برای نماز یک لباس بیشتر وجود نداشت و آنان به ترتیب آن لباس را می‌پوشیدند، ولی با تمام وجود عزت خود را حفظ کردند و تن به ذلت جبهه ضد ولایت ندادند. شیعیان توانستند با مقاومت اقتصادی بی‌نظیر با همیاری اقتصادی و اجرای اقتصاد مقاومتی، ترفند فشار اقتصادی دشمن را خنثی کنند.

## ۲. تهاجم سخت

تهاجم سخت عبارت است از تهاجم نظامی به هدف معین برای حذف شخص یا گروهی و یا براندازی و سقوط یک نظام سیاسی.

این نوع تهاجم به اشکال مختلف مانند: حمله نظامی کشورها به یکدیگر، کودتای داخلی، ترور و جنگ داخلی صورت می‌گیرد.

در دوران امامت حضرت هادی { سردمداران جبهه ضد ولایت، به ویژه متوکل و وزیر کینه‌توز او « فتح بن خاقان» در پی ترور و به شهادت رساندن امام و یاران صدیق و انقلابی او و دیگر مسلمانان مخالف بودند.

متوکل بارها قصد به شهادت رساندن امام کرد، حتی یک روز امام را در میدانی که حیوانات وحشی را نگهداری می‌کرد قرار داد و شیرهای وحشی و گرسنه را رها کرد که آن شیرها هیچ گونه حمله‌ای به امام نکردند بلکه با کرنش و آرامش نزد امام آمدند.

او در آخرین روزهای عمر سراسر پلیدی و جنایات خویش، بار دیگر قصد به شهادت رساندن امام را کرد و آن امام را به دست «سعید حاجب» شکنجه‌گر و جلاد دربار سپرد ولی متوکل دو روز بعد با حمله شبانه ترکان در بستر خود به قتل رسید و امام نجات یافت. در زمان «منتصر» فرزند متوکل که فشار ضدولایی رو به کاهش گرایید امام از این موقعیت نهایت استفاده را نمود و ساختار سیاسی ولایی را طراحی و مدیریت کرده و تمام سرزمین‌های اسلامی به

ویژه مناطق شیعه نشین را با اعزام نمایندگان خود تقویت نمود.

شایان ذکر است که برخی از نمایندگان امام، مانند: «علی بن جعفر» در بغداد و «محمد بن فرج» در مصر و «ایوب بن نوح» در کوفه توسط فرمانداران جبهه ضد ولایت دستگیر شدند و برخی دیگر، مانند: «محمد بن حجر» به شهادت رسیدند.

امام نیز در سامرا قریب بیست و یک سال تحت نظر بود و سرانجام به دستور معتز با زهر به شهادت رسید.

### شاگردان امام هادی {

امام هادی { با تربیت نیروی انسانی کارآمد در عرصه‌های علمی و معارف اسلامی و توانمند در حوزه مدیریت فرهنگی جامعه و دفع تهاجم داخلی و خارجی فرهنگی به ارائه و گسترش اسلام اصیل پرداخت و در این کار موفقیت‌های شایانی نصیب جامعه آن روز و تاریخ اسلام گردانید و زمینه برای توسعه حوزه تدریس و تبلیغ معارف اسلامی در جغرافیای وسیع جهان اسلام، مانند سامرا، ری، اهواز و بغداد فراهم آورد.

شیخ طوسی در کتاب رجال خود تعداد دست پروردگان پیشوای دهم و کسانی را که از آن حضرت در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی بهره‌ها برده و روایت نقل کرده‌اند، بالغ بر ۱۸۶ نفر می‌داند که در میان آنان، چهره‌های برجسته علمی و فقهای فراوانی که دارای تألیفات گوناگونی بوده‌اند،

دیده می شود.

از شاگردان برجسته و اصحاب ویژه و از میان وکلای امام هادی { می توان از عبدالعظیم حسنی، فضل بن شاذان، علی بن مهزیار اهوازی، خیران خادم قراطیسی، ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری، ابن سکیت یعقوب بن اسحاق اهوازی، احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابراهیم بن مهزیار، ایوب بن نوح، ابو علی حسن بن راشد، عثمان بن سعید (نایب اول از نواب اربعه حضرت بقیه الله الأعظم (عج))، حسین بن سعید بن حماد اهوازی نام برد.

### شهادت امام هادی {

بالاخره در سال ۲۴۷ ه.ق، متوکل به همراه وزیرش «فتح بن خاقان» به دست پسرش «منتصر» و با همکاری ترکان صاحب نفوذ و دارای مناصب حکومتی کشته شد و شیعیان در دوران کوتاه عمر منتصر به مدت شش ماه از ظلم و جور و ستم رهایی یافتند. دیری نپایید که «مستعین» سپس «معتز» به حکومت رسیدند و به این ترتیب دوباره شیوه اختناق و شکنجه آغاز شد و محدودیت های امام هادی { که در سامرا در منطقه نظامی تحت نظر بود، بیشتر گردید. آنان وجود آن امام نور را مایه بیداری اسلامی و روشنائی اذهان و افکار مردم و منشأ شعله ی قیام های شیعی برای خود می پنداشتند. سرانجام آن امام، در سوم رجب سال ۲۵۴ ه.ق به دستور «معتز» و توسط «معتمد» برادرزاده وی، مسموم و شهید گردید و در همان منطقه در خانه خودش به خاک

سپرده شد. پیکر مطهر امام حسن عسکری { نیز در آن مکان مدفون می‌باشد.<sup>۱</sup>

و در آخر باید با تأسف و تأثر نگاشت که در دوره اشغال عراق توسط ارتش آمریکا، وهابیون با حمایت آن ارتش بارگاه ملکوتی آن امام را در سال ۱۳۸۴ هـ. ش منفجر کردند و قلوب مسلمانان جهان را جریحه دار نمودند و سپس در اروپا به ساحت مقدس امام هادی { توهین گردید که این نشان از اوج عداوت دشمنان اسلام به آن امام می‌باشد؛ زیرا آن حضرت در زمان خود تمامی مفاسد اعتقادی، رفتاری و اخلاقی پیشینیان آنان را که هم اینک به دنبال احیای آن هستند افشا و رد نمود.

II يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِمْ نُورُهُ

وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ<sup>۲</sup>

«آنان می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند در حالی که خداوند اراده کرده است نور خود را کامل گرداند هر چند کفار خوش ندارند.»

۱. الإرشاد، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲. سوره توبه (۹)، آیه: ۳۲.









### ۱. لشکر حیرت‌آور الهی امام هادی {

روزی متوکل برای ترساندن و جلوگیری از قیام‌های شیعیان دست به یک مانور بزرگ نظامی زد. دستور داد هزار سواره نظام از لشکریان ترک ارتش خود که در سامرا بودند هر کدام توبره علف‌خوری اسب خود را از خاک پر کرده و در جای وسیعی بریزند. آنان اطاعت کردند و در نتیجه تل بزرگی از خاک در بیابان به وجود آمد که آن را «تل مخالی» یعنی تل توبره‌ها نامیدند.

آنگاه متوکل بر فراز آن رفت و از امام هادی { دعوت کرد تا حاضر شود و بر روی تل قرار گیرد. وقتی حضرت در بالای آن قرار گرفت متوکل به او گفت: تو را دعوت کردم تا لشکریانم را نظاره کنی. او به آنان دستور داده بود لباس متحدالشکل جنگی بر تن کنند و اسلحه نظامی بر دوش گیرند و در پایین تل رژه بروند و آنان هم به بهترین وضع نظامی و هیبتی خیره‌کننده خود را برابر متوکل و دیدگان امام آشکار نمودند. هدف او این بود که هر کسی را که می‌خواهد بر ضد او مبارزه کند، بترساند و البته ترس او بیشتر از امام هادی { بود.

امام که لشکر او را مشاهده می کرد و به هدف او آگاه بود  
به متوکل فرمود:

آیا من هم لشکرم را به تو نشان بدهم؟  
متوکل گفت: آری.

امام { خدای سبحان را خوانده و دعا کرد. آنگاه متوکل  
زمین و آسمان را پر از فرشته های مسلح دید و همان دم  
غش کرد. وقتی به هوش آمد، امام فرمود: ما نمی خواهیم در  
امر دنیا با تو ستیزی داشته باشیم، ما به امر آخرت اشتغال  
داریم. بنابراین گمان بد به خود راه نده.<sup>۱</sup>

## ۲. فرشتگان یاوران امام هادی {

متوکل خلیفه ستمگر و خیانت پیشه عباسی بر تخت  
خلافت نشسته بود. او بسیار عصبانی و به شدت خشمگین  
بود. آتش کینه و غضب از وجود پلید او زبانه می کشید، او  
امام هادی { را به علت محبوبیت مردمی و مراتب عالی علم  
و امامت وی برای بقای خلافت خود بزرگ ترین تهدید  
می دانست. پیاپی می گفت او را می کشم. او دولت مرا  
تضعیف می کند. قصد داشت امام هادی { را به قتل برساند.  
فرمان داد ایشان را به تالار دربار آورند و به چهار جلاد خود  
دستور داد که به محض آمدن امام او را به قتل برسانند.  
متوکل با خشم و غضب می گفت او را به قتل می رسانم و  
بعد می سوزانم. امام را به اجبار به تالار دربار آوردند، ایشان  
در کمال آرامش و بدون هیچ ترسی به آنجا آمد و زیر لب

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۵؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۰.

دعا می‌خواند. متوکل تا ایشان را دید به یکباره خشم و غضبش فرونشست. خود را به پای امام انداخت و بر دست و روی امام بوسه زد. از امام پرسید: چرا در این وقت به اینجا آمدید؟

امام فرمود: مأمورانت مرا به فرمان تو اینجا آورده‌اند. او گفت: دروغ می‌گویند این‌ها بد کاره‌اند. سپس به درباریان دستور داد تا امام را به احترام تا خانه بدرقه کنند. جلادان نیز تا امام را دیدند به سجده افتادند.

بعد از رفتن امام، متوکل جلادان را خواست، به آنان گفت: چرا مأموریت خود را انجام ندادید؟ آنان گفتند: هیبت و شکوه و جلال او ما را از این کار منع کرد. در اطراف وی صد جنگجوی شمشیر به دست بود که از ایشان محافظت می‌کردند و ما از ترس جرأت کاری نداشتیم.<sup>۱</sup>

### ۳. درندگان به فرزندان فاطمه { حمله نمی‌کنند

روزی در سامرا در عهد امامت حضرت هادی { زنی ادعا کرد حضرت زینب است. متوکل عباسی خلیفه غاصب آن وقت، علمای شیعه را جمع کرد. آنان گفتند: زینب { در سالیان قبل وفات یافته است درحالی که این زن کمتر از ۴۰ سال دارد. آن زن می‌گفت پیامبر بر سر من دست کشیده و دعا کرده تا من جوان بمانم و تاکنون خود را مخفی کرده بودم.

متوکل گفت: باید ادعای او را با استدلال رد کنید.

۱. کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۶۲.

هر دلیلی بر بطلان ادعای او می‌آوردند قبول نمی‌کرد. علویان تنها راه چاره را حضور امام هادی { دانستند. آن زن را نزد امام هادی { بردند آن حضرت با دیدن وی گفت: او زینب نیست، ایشان سالیان قبل وفات یافته و اگر او ادعا می‌کند دختر فاطمه زهرا { است، گوشت فرزندان آن بانوی گرامی بر درندگان حرام است و آنها به اولاد فاطمه { هجوم نمی‌آورند.

اگر او ادعا دارد زینب است پس باید پیش درندگان رود؛ اگر آنها به او آزاری نرسانند ادعای او درست است و اگر به او هجوم آوردند و او را دریدند، ادعایش باطل است. آن زن گفت: ایشان می‌خواهد مرا به کشتن دهد، اگر راست می‌گویید خود به نزد شیرها رود.

متوکل که در انتظار فرصتی برای کشتن امام هادی { بود دستور داد تا نردبان فراهم کنند و امام را به داخل گودال نگهداری شیرها بفرستند، امام با آرامش از پلکان پایین رفت، شیرها به خدمت ایشان آمده، خود را به پای امام می‌مالیدند و امام آنها را نوازش می‌کرد آنها سر خود را از روی خضوع در برابر امام به زمین می‌نهادند.

این صحنه باعث شد که وزیر متوکل از امام خواست که هر چه زودتر بالا باید تا مردم پیش از این عظمت ایشان را نبیند، پس متوکل دستور داد آن زن را به گودال بفرستند. آن زن اقرار کرد که ادعای او دروغ است، ولی متوکل فرمان داد به خاطر دروغ‌گویی او را در آن گودال بیفکنند که مادر

متوکل شفاعت کرد و او را نجات داد.<sup>۱</sup>

#### ۴. دعای امام و نجات یاران

امام هادی { همسایه‌ای در سامرا داشت که نام او یونس و کار او نقاشی و حکاکی بود. روزی با نگرانی خدمت امام رسید و گفت: ای امام! به دادم برسید که فردا «موسی بن بغا» که یکی از وابستگان دربار عباسی است، مرا تازیانه خواهد زد و سپس می‌کشد. آمده‌ام که پیش شما وصیت کنم.

امام فرمود: چه شده است؟

گفت: چندی قبل «موسی بن بغا» نگینی که قیمت فراوان داشت برای حکاکی نزد من آورد ولی در حین حکاکی نگین شکست و به دو نیم شد و اکنون از عاقبت کار ترسانم. امام فرمود: نگران نباش و به منزل خود برو، فردا مشکلی برایت ایجاد نخواهد شد. فردا نزد «موسی بن بغا» برو و هر چه می‌گویی گوش ده که خوشحال برخواهی گشت.

او فردا به منزل موسی رفت. موسی با دیدن نقاش گفت: زنان من در مورد آن نگین با هم مشاجره کرده و اگر می‌شود شما آن نگین را به دو نیم کنید تا هر نیمه را به یکی دهم. او گفت: باید فکر و اندیشه‌ای کنم و از آنجا شادمان بیرون‌آمد و دانست که حرف امام حق است.<sup>۲</sup>

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۴۹.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۵۰.

### ۵. امامت از آن فرزندان علی { است

گروهی از مردم اصفهان برای دیدن «متوکل» خلیفه عباسی به سامرا رفتند. در میان آنان فردی به نام عبدالرحمن بود که سخنوری بی‌باک و از طرفداران حاکم بنی‌عباس بود. آنان قصد داشتند از متوکل برای اصلاح زندگی خود و مردم اصفهان کمک بخواهند. بعد از طی مسافتی زیاد به آنجا رسیدند و به کاخ آن خلیفه ستمگر مراجعه کردند. آن روز متوکل دستور داده بود که امام هادی { را به دربار احضار کنند و قصد کشتن امام را داشت.

عبدالرحمن که در بیرون تالار کاخ ایستاده بود از مردمی که ازدحام کرده بودند، سؤال کرد: آن مرد کیست که خلیفه قصد کشتن او را دارد؟ آنان گفتند: او «علی بن محمد بن رضا» است او مردی علوی و امام شیعیان است. کنجکاوی عبدالرحمن باعث شد تا منتظر آوردن امام شود، بعد از چندی، شخصی نورانی، باوقار و آرام که بزرگی، عظمت و شرافت از سیمایش هویدا بود سوار بر اسبی وارد شد، جمعیت راه را باز کردند و به دو طرف صف کشیدند و با نهایت احترام به او می‌نگریستند و ایشان بدون اینکه به دو طرف خود نگاه کند به سمت تالار کاخ حرکت می‌کرد.

عبدالرحمن که مجذوب عظمت و هیبت الهی امام شده بود در درون خود دعا برای سلامتی امام و نجات از دست متوکل می‌کرد. امام کم‌کم به او که در بین جمعیت ایستاده بود نزدیک شد. هنگام عبور از کنار وی رو به سویش کرد و فرمود: خداوند دعایت را مستجاب کند و ثروت و فرزندان

را زیاد گرداند.

تمام بدن عبدالرحمن دچار لرزش شده و در میان دوستان خود به زمین می‌افتد آنان از علت این حال از وی سؤال می‌کنند و او می‌گوید: خیر بود.

بعد از آن، او و دوستانش به اصفهان برگشتند و به واسطه دعای امام، ثروت و فرزندان زیادی خداوند به او عطا کرد و دارای عمر طولانی نیز گردید. عبدالرحمن اعلام می‌کند که شیعه خاندان پیامبر و شیفتگان امام هادی { است. مردم از او در این باره سؤال می‌کنند. او در جواب می‌گوید: من قائل به امامت کسی هستم که به آنچه در قلبم است آگاهی دارد و خداوند دعایش را در حق من اجابت می‌کند.<sup>۱</sup>

#### ۶. دعای امام و نجات مسیحی

«یوسف بن یعقوب» نویسنده‌ای مسیحی بود که در یکی از شهرهای فلسطین به نام «کفرتوثا» زندگی می‌کرد. «متوکل» خلیفه ستمگر عباسی که به ظلم و جنایت در جهان شهرت یافته بود، روزی به دنبال وی فرستاد، از این دعوت سرتاپای او به لرزه افتاد. می‌ترسید که شاید خلیفه قصد جانش را کرده باشد. ولی مجبور به رفتن به دربار بود و از این سفر دلنگرانی بسیار داشت. او که آوازه عظمت و محبوبیت امام هادی { را شنیده بود و طهارت و نورانیت ایشان و قرب و حرمت وی را در پیشگاه خدا می‌دانست، عهد کرد که برای رفع این بلا و سلامتی خود در این مسافرت، صد دینار به

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

ایشان هدیه کند. آن نویسنده مسیحی حرکت کرد تا به شهر سامرا مرکز خلافت متوکل که امام هادی نیز در آنجا تحت نظر و مراقبت دژخیمان دربار عباسی بود رسید. ابتدا آن مرد مسیحی در منزلی اقامت گزید و با خود گفت: اول خدمت امام هادی { رفته و صد دینار را هدیه می‌کنم، سپس نزد متوکل می‌روم تا جانم از قبل بیمه شده باشد. ولی او نشانی منزل امام را نمی‌دانست و از کسی نیز نمی‌توانست سؤال کند چون هر کس با امام تماس می‌گرفت، ماموران دربار او را بازداشت می‌کردند. او نزد خود گفت، سوار بر الاغ خود می‌شوم و به راه می‌افتم شاید در بین راه از گفتگوی مردم و حوادثی که اتفاق می‌افتد آدرس منزل امام را دانستم. سوار شد و کیسه پول را پنهان کرد و در شهر به راه افتاد. الاغ به میل خود به حرکت درآمد از کوچه‌ها و میدان‌ها گذشت تا اینکه به در خانه‌ای رسید و ایستاد. هرچه او کوشش کرد که الاغ به راه خود ادامه دهد آن حیوان حرکت نمی‌کرد، از کسی پرسید، این منزل کیست؟ جواب شنید: منزل «ابن رضا» است.

او سوگند خورد که این یک معجزه است. در این هنگام خادم منزل امام از آن خارج شد و پرسید: تو «یوسف بن یعقوب» هستی؟ او گفت: آری.

خادم او را دعوت به داخل شدن به خانه کرد و گفت: در انتظار فرمایش امام باش.

او داخل خانه شد و نزد خود گفت: این هم معجزه‌ای دیگر، او از کجا اسم مرا می‌دانست. پس از چندی آن خادم



بازگشت و گفت: آن صد دینار را بده. او پول‌ها را به خادم داد و باز نزد خود گفت: این هم معجزه سوم. سپس آن خادم اجازه ورود او را از طرف امام ابلاغ کرد. او داخل شد. او امام را در هاله‌ای از نور دید. امام خطاب به او فرمود: ای یوسف! آیا وقت آن نرسیده که هدایت شوی؟ گفت: ای مولای من! آن قدر از معجزات که برای ایمان آوردن به شما لازم باشد بر من هویدا شد. امام فرمود: خیر تو هرگز اسلام نخواهی آورد لکن پسر تو مسلمان و شیعه ما خواهد شد، و نگران آن واقعه‌ای که از آن می‌ترسی نیز مباش بلکه آنچه دوست داری خواهی دید. او به نزد متوکل رفت و بر خلاف انتظار، ستمی از او ندید و به سلامت به فلسطین بازگشت و همان‌طور که امام فرموده بود او به دین مسیحیت مرد ولی یکی از پسران او از شیعیان و شیفتگان خاندان رسالت گردید.<sup>۱</sup>

### ۷. اشعار امام و اشک خلیفه ظالم

متوکل خلیفه سفاک و جبار عباسی از توجه و محبت مردم به امام هادی { سخت ترسیده بود. محبوبیت امام در میان مردم او را بر آن داشت تا هرچه زودتر ایشان را به زندان کشد. شبانه مأموران دربار عباسی به دستور متوکل سرزده به خانه امام آمدند، ایشان را در حال نماز دیدند. آن بزرگوار را دستگیر کرده و به دربار متوکل که پای بزم شراب بود بردند. او مشغول میگساری بود، دستور داد امام را نزد او

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۵۸؛ داستان‌های آسمانی، ص ۱۵۵.

بنشانند، امام کنار او نشست و متوکل جام شرابی را به امام تعارف کرد و امام امتناع نمود و گفت:  
به خدا قسم هرگز شراب در خون و گوشت ما وارد نشده است.

متوکل گفت:

پس برای ما شعر بخوان و محفل ما را رونق بخش.  
امام فرمود:

من اهل شعر سرودن نیستم و کمتر از اشعار پیشینیان نیز در حفظ دارم.

متوکل گفت: چاره‌ای نیست حتماً باید اشعاری بخوانی.

آنگاه امام شروع به خواندن این قصیده کرد:  
«بَاثُوا عَلَيَّ قُلُوبَ الْجِبَالِ تَحْرُسُهُمْ»

عَلَبُ الرِّجَالِ فَمَا أَعْنَتْهُمُ الْقُلُوبُ»

قلعه‌های بلند را برای خود پناهگاه ساختند و مردان مسلح از آنان محافظت کردند ولی آن قلعه‌ها آن‌ها را نفعی نبخشید.  
«وَ اسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عِزٍّ عَنْ مَرَاتِبِهِمْ»

فَأَوْدَعُوا حُفْرًا يَا بَنِي مَانِرٍ لُؤَا»

از بالای آن قلعه‌های بلند و از آن همه تکبر و جاه به داخل گودال‌های قبر سرنگون شدند و با چه بدبختی و فلاکت در آن قرار گرفتند.

«نَادَاهُمْ صَارِخٌ مِنْ بَعْدِ مَا قَبِرُوا»

أَيُّنَ الْأَسْرَةِ وَ النَّيْجَانُ وَ الْحُلُلُ»

بعد از دفن آنان منادی فریاد برآورد: آن زینت‌ها کجا رفت، آن

تاجها و هیمنه و شکوه و جلالها چه شد؟

«أَيْنَ الْوُجُوهُ الَّتِي كَانَتْ مُنْعَمَةً

مِنْ دُونِهَا تُضْرَبُ الْأَسْتَارُ وَالْكَئُلُ»

کجا رفت آن چهره‌های نازپرورده که در پس پرده‌های الوان از نظر

مردم مخفی بود.

«فَأَصْفَحَ الْقَبْرُ عَنْهُمْ حِينَ سَأَلَهُمْ

تِلْكَ الْوُجُوهُ عَلَيْهَا الدُّودُ يَقْتَتِلُ»

سرانجام قبر، آنان را رسوا و آشکار نمود و جولانگاه کرمها و

حشرات ساخت.

«لَطَالَمَا أَكَلُوا دَهْرًا وَ مَا شَرَبُوا

فَأَصْبَحُوا بَعْدَ طَوْلِ الْكَأَلِ قَدْ أَكَلُوا»

زمان درازی در دنیا خوردند و آشامیدند و همه چیز را بلعیدند ولی

امروز آنان غذای حشرات هستند.

صدای امام با طنین مخصوص با آهنگی الهی همه را

تحت تأثیر قرار داد، مستی از سر متوکل پرید، جام شراب را

محکم به زمین کوبید و مجلس بزم به هم ریخت.<sup>۱</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۱.







### ۱. راه مخلصان، راه کمال

«لَوْ سَلَكَ النَّاسُ وَاذِيًّا شُعْبًا لَسَلَكْتُ وَاذِيَّ رَجُلٍ عَبْدَ اللَّهِ

وَحَدَّهُ خَالِصًا»<sup>۱</sup>

اگر همه مردم به راه های گوناگون روند من به راه کسی می روم که خدا را خالصانه می پرستد.

### ۲. فضایل بی پایان

قال الإمام النقی { فی قوله تعالی:  
«لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ وَالْبَحْرِ يَمْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ

سَبْعَةٌ أُبْحَرُ مَا تُؤَدَّتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ»<sup>۲</sup>

«نَحْنُ كَلِمَاتُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنْفَدُ وَلَا تُدْرِكُ فَضَائِلُنَا»<sup>۳</sup>

خداوند می فرماید: «اگر درختان روی زمین قلم شوند و دریا مرکب بوده و در پی آن هفت دریا افزون شود، کلمات خدا پایان نمی یابد.»

۱. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۴۵؛ چلچراغ آسمان عصمت، ص ۳۲۸.

۲. سوره لقمان (۳۱)، آیه ۲۷.

۳. تحف العقول، ص ۵۰۷.

امام هادی { در مورد این آیه فرمود: ما کلمات خدا هستیم که پایانی ندارد و فضایل ما هرگز درک نمی‌شود.

### ۳. ذات خداوند قابل توصیف نیست

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ، وَ أَمَّا يُوصَفُ الَّذِي تَعَجَّرُ الْحَوَاسُ أَنْ تُدْرِكَهُ وَالْأَوْهَامُ أَنْ تُثَالَهُ وَالْخَطَرَاتُ أَنْ تُحْدَهُ وَالْأَبْصَارُ عَنِ الْإِحَاطَةِ بِهِ؟»

«جَلَّ عَمَّا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ وَ تَعَالَى عَمَّا يَنْعَتُهُ النَّاعِتُونَ نَأَى فِي قُرْبِهِ وَ قُرْبٍ فِي نَأْيِهِ فَهُوَ فِي نَأْيِهِ قَرِيبٌ وَ فِي قُرْبِهِ بَعِيدٌ كَيْفَ الْكَيْفِ فَلَا يُقَالُ كَيْفٌ وَ أَيْنَ الْأَيْنِ فَلَا يُقَالُ أَيْنٌ إِذْ هُوَ مَنْقَطِعُ الْكَيْفِيَّةِ وَ الْأَيْنِيَّةِ هُوَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ فَجَلَّ جَلَالُهُ

و تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ»<sup>۱</sup>

خداوند جز آن گونه که خویش را وصف کرده، توصیف نشاید. چگونه به شرح بیاید آفریننده‌ای که حواس از درکش ناتوان، عقول از دریافتش عاجز، ذهن‌ها از تصورش درمانده و دیدگان از دیدنش فرو مانده‌اند؟!

خداوند بزرگ‌تر از آن است که وصف کنندگان وصفش کنند و مدیحه سرایان مدحش گویند. در حال نزدیکی، دور است و در عین دوری، نزدیک! او به اشیاء کیفیت داده بدون اینکه خود کَیْف و عَرَض باشد و به همگان، مکانیت داده بی‌آنکه خود دارای مکان باشد. او منزله از کیفیت و مکان بوده و یگانه است؛ باشکوه و دارای اسم‌های مقدس است.

۱. تحف العقول، ص ۵۱۰؛ أقوال الائمة، ج ۳، ص ۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۶؛ کشف

الغمة، ج ۳، ص ۲۴۷.



#### ۴. اهل بیت { و اسرار پنهان

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُظْهِرْ عَلَيَّ غَيْبَهُ أَحَدًا إِلَّا مِنْ أَرْضِي مِنْ رَسُولٍ فَكُلُّ مَا كَانَ عِنْدَ الرَّسُولِ كَانَ عِنْدَ الْعَالَمِ وَكُلُّ مَا أَطَّلَعَ عَلَيْهِ الرَّسُولُ فَقَدْ أَطَّلَعَ أَوْصِيَائِهِ عَلَيْهِ كَيْلًا تَخْلُو أَرْضَهُ مِنْ حُجَّةٍ يَكُونُ مَعَهُ عِلْمٌ يَدُلُّ

عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ وَجَوَازِ عَدَالَتِهِ»<sup>۱</sup>

خداوند برای هیچ کس امور مخفی خود را آشکار نمی کند مگر برای آن عده از پیامبران که بخواهد. سپس هر چه نزد پیامبر است، نزد امام { نیز وجود دارد و هر آنچه پیامبر به آن آگاه است محققاً جانشینان او نیز به آن آگاهی دارند تا زمین از حجت و راهنمایی خداوند که دارای علم و دانش الهی، که دلیل بر راستی گفتارش و مایه تحقق عدالتش می باشد، خالی نماند.

#### ۵. میدان بلاء و سرای سزا

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَ الْآخِرَةَ دَارَ عَقْبَى وَ جَعَلَ بَلْوَى

الدُّنْيَا لِنُؤَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا وَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوَاضًا»<sup>۲</sup>

خداوند دنیا را میدان بلا و آزمایش، و آخرت را سرای نتیجه اعمال قرار داده است. بلای دنیا را سبب کسب پاداش آخرت، و پاداش آخرت را برای سختی های دنیا مقرر کرده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۷؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲. تحف العقول، ص ۵۱۲؛ أقوال الاثمة، ج ۳، ص ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵؛ أعيان

الشيعة، ج ۳، ص ۴۰.

### ۶. مکتب پروردگار

فَلَمَّا أَدَّبَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ بِقَوْلِهِ  
(وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ

يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ) ۱  
«فَلَمْ يُجْزَ لَهُمُ الْإِخْتِيَارَ بِأَهْوَائِهِمْ وَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ إِلَّا اتِّبَاعَ أَمْرِهِ وَاجْتِنَابَ نَهْيِهِ عَلَى يَدَيَّ مَنْ اصْطَفَاهُ فَمَنْ أَطَاعَهُ رَشِدًا وَمَنْ عَصَاهُ ضَلٌّ وَغَوَى وَلَزِمَتْهُ الْحُجَّةُ بِمَا مَلَكَهُ مِنَ الْإِسْتِطَاعَةِ لِاتِّبَاعِ أَمْرِهِ وَ

اجْتِنَابِ نَهْيِهِ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ حَرَمَهُ تَوَابَهُ وَأَنْزَلَ بِهِ عِقَابَهُ» ۲

خداوند مؤمنان را در این آیه شریفه تعلیم و تربیت کرده است: «آنگاه که خداوند و پیامبرش برای مرد و زن مؤمن حکمی کنند، آنان اختیار و قدرت مخالفت ندارند.»

بنابراین خداوند به آنان اختیار پیروی هوای نفس نداده و از آنان هیچ چیزی قبول نمی‌شود مگر پیروی از امر خدا و دوری از محرمات او با راهنمایی کسی که برگزیده است. پس هر کس او را اطاعت کند به کمال برسد و آن که فرمان نبرد گمراه و سرکش باشد و حال آنکه حجت و برهان خدا به سبب قدرتی که خداوند به او برای فرمان بری امرش و دوری از نهیش داده است نیز تمام می‌باشد. فاش بدین جهت از ثواب و پاداش محروم شده و عذاب خداوند بر او وارد می‌شود.

۱. سوره احزاب (۳۳)، آیه: ۳۶.

۲. تحف العقول، ص ۴۹۲.

## ۷. جبر و تفویض

«لَسْنَا نَدِينُ بِجَبْرِ وَلَا تَفْوِضٍ لَكِنَّا نَقُولُ بِمَنْزِلَةِ بَيْنَ الْمَنْزِلَتَيْنِ وَهُوَ الْإِمْتِحَانُ وَالْإِخْتِبَارُ بِالْإِسْتِطَاعَةِ الَّتِي مَلَكَهَا اللَّهُ وَتَعَبَّدْنَا بِهَا عَلَى مَا شَهِدَ بِهِ الْكِتَابُ وَدَانَ بِهِ الْأَيْمَةَ الْأَبْرَارُ مِنْ آلِ الرَّسُولِ»<sup>۱</sup>

ما معتقد به جبر و تفویض نیستیم؛ لکن قائل به نظریه بین آن دو هستیم که همان نظریه امتحان و آزمایش است. خداوند نیروی آن امتحان را به ما عنایت کرده و ما را موظف به آن فرموده. همان گونه که قرآن کریم بر صحت این نظریه گواهی داد و امامان بزرگوار که از دودمان پیامبرانند به آن اعتقاد دارند.

## ۸. بازار دنیا

«الدُّنْيَا سُوقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ»<sup>۲</sup>

دنیا بازاری است که گروهی در آن سود برند و گروهی دیگر زیان.

## ۹. همراه انسان

«النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ»<sup>۳</sup>

مردم در دنیا با اموال خودند و در آخرت با اعمال خویش!

۱. تحف العقول، ص ۴۹۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۶؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹؛ زبدة الاحاديث، ص ۶۰؛ الأنوار البهية، ص ۱۴۳.

## ۱۰. آثار زیان بار جدال

«أَلَمْرَاءُ يُفْسِدُ الصَّدَاقَةَ الْقَدِيمَةَ وَ يَحْلُلُ الْعُقْدَةَ الْوَثِيقَةَ وَ أَقْلُ مَا

فِيهِ أَنْ تُكُونَ فِيهِ الْمُغَالِبَةُ وَ الْمُغَالِبَةُ أَسُّ أَسْبَابِ الْقَطِيعَةِ»<sup>۱</sup>

جدال و بگومگو دوستی‌های با سابقه را از بین می‌برد و پیوندهای استوار را می‌گسلد کمترین اشکال آن وجود حس برتری جویی است که این ریشه تمام عوامل جدایی است.

## ۱۱. آرامش در تقوا

«مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يَتَّقَى وَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ وَ مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ

يُبَالِ بِسَخَطِ الْمَخْلُوقِ»<sup>۲</sup>

آن که تقوای الهی را مراعات کند محفوظ و بی‌گزند ماند و آن کس که فرمان خدا را اطاعت کند فرمانش برسد؛ و کسی که از خدا اطاعت کند باکی از خشم مردم ندارد و آن که خدا را خشمگین کند یقین داشته باشد که به خشم و غضب مردم دچار شود.

## ۱۲. حرمت پیامبر و مومن

«حُرْمَةُ النَّبِيِّ وَ الْمُؤْمِنِ أَكْبَرُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَيْتِ»<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹.

۲. تحف العقول، ص ۵۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۶؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۴۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۲۵.

احترام پیامبر ۷ و انسان مؤمن بالاتر از احترام خانه خداست.

### ۱۳. شیعیان قابل توصیف نیستند

«كَمَا لَا يُوصَفُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ وَ الرَّسُولُ وَ الْخَلِيلُ وَ وَكَلْدُ

الْبَثُولِ فَكَذَلِكَ لَا يُوصَفُ الْمُؤْمِنُ الْمُسْلِمُ لِأَمْرِنَا»<sup>۱</sup>

همان گونه که توصیف و بیان مقام و جایگاه خداوند متعال و پیامبر<sup>۹</sup> و حضرت ابراهیم و عیسی امکان ندارد، انسان مؤمن و مطیع امر ما نیز قابل توصیف نیست!

### ۱۴. تباهی حق با سفاهت

«إِنَّ الْمُحِقَّ السَّفِيهَ يَكَادُ أَنْ يُطْفِئَ نُورَ حَقِّهِ بِسَفَاهِهِ»<sup>۲</sup>

براستی که حقدار بی‌خرد، بعید نیست که نور حق خویش را با سفاهت خود، خاموش کند.

### ۱۵. احتیاط

قال الإمام النقي { في الجواب عن الحزم

۱ . بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۷؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۴۷.

۲ . تحف العقول، ص ۵۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵.

«قَالَ أَنْ تَنْتَظِرَ فُرْصَتَكَ وَتُعَاجِلَ مَا أَمْكَنَكَ»<sup>۱</sup>

امام هادی { در پاسخ به پرسش از معنای دور اندیشی فرمود:  
دوراندیشی، غنیمت شماری فرصت‌ها و شتاب به اندازه امکان است.

#### ۱۶. زیان خود خواهی

«مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ»<sup>۲</sup>

کسی که از خودراضی است دشمنان خشمناک و ناراضی بسیار دارد.

#### ۱۷. عقوبت غافل

«مَنْ أَمِنَ مَكْرَ اللَّهِ وَ أَلِيمَ أَخْذِهِ تَكَبَّرَ حَتَّى يَحِلَّ بِهِ قِضَاؤُهُ

وَ نَافِدُ أَمْرِهِ»<sup>۳</sup>

هر که خویش را از مکر و مؤاخذه دردناک خدا در امان می‌داند،  
تکبر پیشه کند تا آنگاه که حکم الهی و امر حتمی (مرگ) گریبانش را  
بگیرد (آنوقت ذلیل و خوار گردد).

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۸؛ الأنوار البهیة، ص ۱۴۳؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۲۶؛  
الحیة، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. تحف العقول، ص ۵۱۱؛ أعیان الشیعة، ج ۲، ص ۳۹.

## ۱۸. صدق نیت

«مَنْ فَعَلَ فِعْلاً وَكَانَ بَدِينٍ لَمْ يُعْفَدْ قَلْبُهُ عَلَى ذَلِكَ لَمْ يَقْبَلِ

اللَّهُ مِنْهُ عَمَلًا إِلَّا بِصِدْقِ النِّيَّةِ»<sup>۱</sup>

اگر کسی کاری از امور دینی را انجام دهد ولی قلب او ایمان و اعتقادی به آن نداشته باشد، خداوند کار را نمی پذیرد؛ زیرا هیچ عملی مورد قبول خداوند واقع نمی شود مگر اینکه همراه با صدق نیت باشد.

## ۱۹. عبرت و دوراندیشی

«أَذْكُرُ حَسْرَاتِ النَّفْرِيطِ بِأَخْذِ تَقْدِيمِ الْحَزْمِ»<sup>۲</sup>

پشیمانی از سهل انگاری را به یاد آر و احتیاط و دوراندیشی را پیشه کن.

## ۲۰. شیوه برخورد در زمان عدل و جور

«إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ تَظُنَّ بِأَحَدٍ سَوْءاً حَتَّى يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ وَإِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الْعَدْلِ

فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا حَتَّى يَبْدُوَ ذَلِكَ مِنْهُ»<sup>۳</sup>

اگر در عصری عدل بیشتر از ظلم باشد، گمان بد به دیگران حرام است، مگر این که به آن یقین شود، و اگر زمانی ظلم بیشتر از عدل

۱. تحف العقول، ص ۴۹۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۰؛ أقوال الائمة، ج ۴، ص ۱۳۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۰؛ الأنوار البهية، ص ۱۴۳؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹.

باشد، گمان خیر به کسی جا ندارد، مگر اینکه خیر از او آشکار شود.

### ۲۱. بقای نعمت

«الْقَوَا النِّعَمَ بِحُسْنِ مُجَاوِرَتِهَا وَ التَّمَسُّوا الزِّيَادَةَ فِيهَا

بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا»<sup>۱</sup>

نعمت های الهی را با استفاده صحیح از آنها باقی گذارید و با شکرگزاری، فراوانی آنها را بخواهید.

### ۲۲. بی‌نیازی

«أ لَغْنَى قَلَّةَ تَمَنِّيكَ وَ الرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ»<sup>۲</sup>

بی‌نیازی یعنی کمی آرزو و راضی بودن به چیزی که برای تو کافیست.

### ۲۳. نفوس آلوده و حکمت

«أ لِحِكْمَةٍ لَا تَنْجِعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ»<sup>۳</sup>

سخن حکمت‌آمیز در نفوس آلوده اثر نمی‌کند.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۰؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۸؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۰؛ الأنوار البهية، ص ۱۴۳؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹.



۲۴. ارزش و وظیفه دانشمند و دانش‌پژوه

«إِنَّ الْعَالِمَ وَالْمُتَعَلِّمَ شَرِيكَانِ فِي الرُّشْدِ مَأْمُورَانِ بِالنَّصِيحَةِ

مُنْهَيَّانِ عَنِ الْغِيْشِ»<sup>۱</sup>

دانشمند و متعلم هر دو در ترقی مشارکت دارند و مأمور به ارشاد مردم و ممنوع از گمراه کردن آنان هستند.

۲۵. شرارت فرومایه

«مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ»<sup>۲</sup>

آنکه خود را پست می‌شمارد از شرش در امان نباشد.

۲۶. زیان خودپرستی

«الْعُجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلْبِ الْعِلْمِ، دَاعٍ إِلَى التَّخْبُطِ فِي

الْجَهْلِ»<sup>۳</sup>

خودپرستی موجب روی گردانی از طلب علم و باعث روی آوردن به سوی جهل و نادانی است.

۲۷. ارزش گران‌بهای عالمان دینی

«لَوْلَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ

۱. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۷؛ كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹؛ تحف العقول، ص ۵۱۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹؛ الأنوار البهية، ص ۱۴۳؛ مجمع الأحاديث، ج ۳، ص ۳۱۲.

الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُنْقِذِينَ لَضِعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ ابْلِيسَ وَ مَرْدِيَّتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ قُلُوبَ ضِعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ السَّفِينَةَ سَكَانَهَا لَمَّا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ



عَنْ دِينِ اللَّهِ، أَوْلَئِكَ هُمُ الْفَاضِلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»<sup>۱</sup>

اگر پس از غیبت امام زمان اعدای از علما نبودند که مردم را بسوی او بخوانند و راهنمایی کنند و حافظ دین او با دلایل و براهین الهی باشند و بندگان ضعیف را از دام ابلیس از میان فریب خورده هایش رها کنند و آنان را از کمین های مخالفان اهل بیت ابرهانند، هیچ کس نبود مگر اینکه از دین خدا برگشته بود. لکن آن علما زمام و سگان قلوب شیعیان را همانند ناخدای کشتی در دست دارند. آنان نزد خدای متعال والاترین مخلوق هستند.

#### ۲۸. انسان و مصیبت ها



«أَلْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلجَّازِعِ اثْنَتَانِ»<sup>۲</sup>

مصیبت برای شخص بردبار یکی و برای شخص ناشکیبا دو برابر است.

#### ۲۹. تحمل مصائب

«مَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ هَاتَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُ

۱. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۷۸؛ المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۰.  
 ۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹؛ الأنوار البهية، ص ۱۴۳؛ مجمع الأحاديث، ج ۳، ص ۳۱۲.

﴿الدُّنْيَا وَ لَوْ فَرَّضَ وَ نُشِرَ﴾<sup>۱</sup>

آنکه دارای نور معرفت خدادادی است سختی‌ها و شداید دنیا بر او آسان باشد، هر چند تکه تکه شود و پراکنده گردد.

### ۳۰. آداب توقع

﴿لَا تَطْلُبِ الصَّفَا مِمَّنْ كَدَرْتَ عَلَيْهِ وَ لَا الْوَفَاءَ لِمَنْ عَدَرْتَ وَ لَا النَّصْحَ مِمَّنْ صَرَفْتَ سَوْءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا قَلْبٌ غَيْرُكَ كَقَلْبِكَ

لَهُ﴾<sup>۲</sup>

از کسی که با او صاف و صادق نبوده‌ای انتظار صفا و صدق نداشته باش، و خواهان وفا از کسی که به او بی‌وفایی کرده‌ای نباش، و توقع خیرخواهی از کسی که به او بدگمان بوده‌ای نداشته باش؛ زیرا قلب دیگران همانند قلب تو است.

### ۳۱. زیان حسد

﴿إِيَّاكَ وَ الْحَسَدَ فَإِنَّهُ يَبِينُ فِيكَ وَ لَا يَعْمَلُ فِي عَدُوِّكَ﴾<sup>۳</sup>

از حسد برحذر باش؛ زیرا درون تو را آشکار کند و هیچ‌گونه ضرر و صدمه‌ای بر دشمنت وارد نسازد.

۱. أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹؛ تحف العقول، ص ۵۱۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۰؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹؛ الأنوار البهية، ص ۱۴۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۸۰؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۳۹.

## ۳۲. در طلب حق

«مَنْ مَاتَ عَلَى طَلْبِ الْحَقِّ وَلَمْ يُدْرِكْ كَمَالَهُ فَهُوَ عَلَى

خَيْرٍ»<sup>۱</sup>

هر که در طلب حق و حقیقت بمیرد او بر نیکی و سعادت مرده است، هرچند به کمال و مرتبه عالی حق دست نیابد.

## ۳۳. انسان در اسارت نفس

«رَاكِبُ الْحَرُونَ أَسِيرُ نَفْسِهِ، وَالْجَاهِلُ أَسِيرُ لِسَانِهِ»<sup>۲</sup>

سوار بر اسب چموش، اسیر نفس خود و نادان، زبون زبانش است..

## ۳۴. حقیقت ایمان

«الْإِيمَانُ مَا وَقَرَّتْهُ الْقُلُوبُ وَصَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ»<sup>۳</sup>

ایمان چیزی است که قلب آن را جای می دهد و اعمال آن را تأیید می کند.

۱. تحف العقول، ص ۴۹۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۸؛ الأنوار البهية، ص ۱۴۳.

۳. مروج الذهب، ج ۴، ص ۸۵.

## ۳۵. امیدوار را ناامید مکن

«لَا يُخَيِّبُ رَاجِيكَ فَيَقْمَتَكَ اللَّهُ وَ يُعَادِيكَ»<sup>۱</sup>

هر که به تو امید بسته نومیدش مگردان که مورد قهر و غضب خداوند قرار خواهی گرفت.

## ۳۶. شکر نعمت

«الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أُوجِبَتِ الشُّكْرَ لِأَنَّ

النَّعْمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرُ نِعْمٌ وَ عَقْبَى»<sup>۲</sup>

شخص شکرگزار به سبب شکر کردنش سعادت و نعمت‌های بیشتری به دست می‌آورد نسبت به آن چیزی که موجب شکر او شده است؛ زیرا آن چیز کالای دنیای فانی است و شکرگزاری هم باعث افزایش نعمت دنیا و هم مایه پاداش آخرت است.

## ۳۷. بهتر از خوبی و بدتر از بدی

«خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ، وَ أَرْجَحُ مِنَ

الْعِلْمِ حَامِلُهُ، وَ أَهْوَلُ مِنَ الْهَوْلِ رَاكِبُهُ»<sup>۳</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۹۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵؛ تحف العقول، ص ۴۸۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۷۰؛ چلچراغ آسمان عصمت، ص ۳۴۱.

بہتر از ہر نیکی شخص نیکوکار است، و زیباتر از ہر سخن شیوا  
گویندہ آن است، و بالاتر از ہر علمی خود آن عالم است، و ترسناکتر  
از ہر ترسی خود شخص ترسو است.

### ۳۸. مقدرات الہی

﴿الْمَقَادِيرُ ثَرِيكَ مَا لَمْ يَخْطُرْ بِبَالِكَ﴾<sup>۱</sup>

مقدرات الہی چیزهایی برای نمایان می کند کہ ہرگز بہ ذہنت  
خطور نکرده است.

### ۳۹. زیان نارضایتی پدر و مادر

﴿أَلْعُقُوقُ يُعَقِّبُ الْقِلَّةَ وَيُؤَدِّي إِلَى الدَّلَّةِ﴾<sup>۲</sup>

نارضایتی پدر و مادر موجب کمی روزی و مایہ ذلت و خواری  
است.

### ۴۰. زیان حرص و آز

﴿الْبُخْلُ أَدْمُ الْأَخْلَاقِ وَالطَّمَعُ سَجِيَّةٌ سَيِّئَةٌ﴾<sup>۳</sup>

بخل ناپسندترین اخلاق، و طمع خصلتی ناشایست است.

۱. موسوعۃ سیرۃ اہل البیت [، ج ۳۳، ص ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹؛ چلچراغ آسمان عصمت، ص ۳۴۱.

۳. موسوعۃ سیرۃ اہل البیت [، ج ۳۳، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹.



\* \* \* \*



## نماز ما

- اعلام
- امکانه
- آیات
- روایات
- اشعار
- فرق و مذاهب
- کتابنامه

▪ اعلام



ابراهیم بن مهزیار  
ابن ابی دؤاد  
ابن بابا  
ابن رضا  
ابن سکیت  
ابو هاشم جعفری  
ابوعلی حسن بن راشد  
احمد بن  
احمد بن اسحاق اشعری  
احمد بن حنبل  
اسحاق بن ابراهیم طاهری  
امام باقر  
امام جواد  
امام حسن عسکری  
امام حسین  
امام رضا  
امام زمان  
امام علی  
امام کاظم  
امام هادی  
ایوب بن نوح  
پیامبر اکرم  
حسن بن سعید حماد اهوازی  
حسین بن سعید اهوازی

حضرت زهرا  
حضرت زینب  
خیران خادم قراطیسی  
رسول خدا  
سعید حاجب  
سمانه  
شیخ طوسی  
عبد الرحمن  
عبد العظیم حسنی  
عبدالله بن عمر  
عثمان بن سعید  
علی بن جعفر  
علی بن حسکه قمی  
علی بن مهزیار اهوازی  
عمر بن عبدالعزیز  
عیسی  
فارس بن حاتم قزوینی  
فتح بن خاقان  
فضل بن شاذان  
قنبر (غلام امیر المومنین)  
کعب الاحبار  
مأمون  
متوکل  
محمد بن حجر



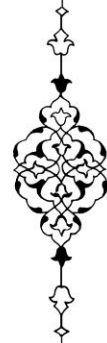
محمد بن فرج  
محمد بن نصیر نمیری  
مستعین  
معاویہ  
معتز  
معتصم  
معتمد  
منتصر  
موسی بن بغا  
نصر بن علی جهضمی  
واثق  
یحیی  
یحیی بن هرثمه  
یزداد  
یزید  
یوسف بن یعقوب  
یونس

امکنه

آمریکا



اصفهان  
اهواز  
بصره  
بغداد  
تل مخالی  
حجاز  
خان صعالیق  
دار الخلافه  
ری  
سامرا  
صریا  
عراق  
عسکر  
فدک  
فلسطین  
قصر بدیع  
قصر برج  
قصر برکواء  
قصر جعفری  
قصر حیر  
قصر شاه  
قصر شبدار  
قصر عروس  
قصر عزو



قصر غریب

قصر ملیخ

قم

کفرتوٹا

کوفہ

مدائن

مدینہ

مسجد النبی

همدان

یمن

فرق و ادیان

اخباری گری سنی

اسلام  
اشاعره  
امویان  
اهل سنت  
تشیع  
تصوف  
شیعیان  
عباسیان  
علویان  
غلات  
مروانیان  
مسیحیت  
معتزله  
مکتب تفویض  
مکتب جبر  
مکتب کلامی قدریه  
وهابیت

■ کتابنامه

۱. الاحتجاج، طبرسی، انتشارات مکتبه مصطفوی، قم - ایران.
۲. الإرشاد، شیخ مفید، انتشارات علمیه اسلامی، تهران - ایران.
۳. أعيان الشيعة، سید محسن امین، دارالمتعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان، ۱۴۱۴ هـ - ق.
۴. أقوال الأئمة [، سید علی اکبر موسوی، چاپخانه طوس، مشهد - ایران، ۱۳۴۳ هـ - ش.
۵. أنوار البهية، شیخ عباس قمی، کتابفروشی جعفریه، مشهد - ایران.
۶. بحار الأنوار، مجلسی، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ هـ - ق.
۷. تحف العقول، حسن بن علی حرانی، انتشارات اسلامی، تهران، ایران، ۱۴۰۰ هـ - ق.
۸. التوحيد، شیخ صدوق، مؤسسه نشر اسلامی، قم - ایران، ۱۳۹۸ هـ - ق.
۹. الحیات، محمد رضا، محمد و علی حکیمی، جامعه مدرسین، قم - ایران، ۱۳۶۰ هـ - ش.
۱۰. چلچراغ آسمان عصمت، صفایی بوشهری، جامعه القرآن، قم - ایران.
۱۱. داستان‌های آسمانی، صفایی بوشهری، موعود اسلام، قم - ایران.
۱۲. رجال کشی، کشی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، دانشگاه مشهد، مشهد - ایران.
۱۳. زبدة الأحادیث، شیخ عباس قمی، انتشارات امیر، قم - ایران، ۱۳۹۷ هـ - ق.
۱۴. كشف الغمة، ابوالحسن اربلی، نشر ادب حوزه، قم - ایران.
۱۵. مجمع الأحادیث، محمد باقر آخوندی، نشر رحمت، قم - ایران، ۱۳۹۷ هـ - ق.

١٦. محجة البيضاء، فيض كاشاني، جامعه مدرسين، قم - ايران.
١٧. مروج الذهب، مسعودي، مؤسسة الأعلمی، بيروت - لبنان، ١٤٠٨ هـ - ق.
١٨. مستدرک الوسائل، ميرزا حسن نوري، مؤسسه آل البيت، بيروت - لبنان، ١٤٠٨ هـ - ق.
١٩. مسند الإمام الهادي {، عطاردی، مجمع جهانی امام رضا، مشهد - ايران.
٢٠. مكيال المكارم، محمد تقی موسوی، چاپخانه علميه، قم - ايران، ١٣٩٨ هـ - ق.
٢١. منتهی الآمال، شيخ عباس قمی، انتشارات هجرت، قم - ايران،
٢٢. موسوعة سيرة أهل البيت [، باقر شريف القرشي، دارالمعروف للطباعة و النشر، قم - ايران، ١٤٣٠ هـ - ق.